ف، هیرمند
۲۰۱٤/۰٥/۳۰

حکمروای حرفه یی و حکمروای آماتور

توضیح نگارنده: من نگارش این نوشته را تقریباً یک سال قبل در نظر داشتم دلیل خامه کردن اش هم این بوده که به مخاطبان این نوشته جنجال و دشواری حکومت کردن را حالی ساخته باشم، اتفاقاً اینک که ما در مرحلهٔ از انتخابات ریاست جمهوری کشور ما قرار داریم، این نگارش از قلم تنبل این حقیر خیز زد و پخش شد، نگارنده با امانت داری کامل، اصل بی طرفی را در این مقاله رعایت کرده و آن را به نشر سپرده است، اگر احیاناً مواردی از این نوشته در تحسین و تمجید صفات کدام کاندید سر میخورد، باید اذعان نمود که اصلاً قصد نگارنده چنین نبوده است ویا اگر کناره های بعضاً مخرش نوشتهٔ رویدست کدام کاندید محترم را می خراشد، باید دانست که قطعاً نیت این نوشته چنان نبوده است.

تِرم یا اصطلاح «آماتور» در کنار نام «حکمروا» در سال ۲۰۱۲ در آغاز نیمهٔ دوم سال اول ریاست جمهوری «فرانسوا هولاند» رئیس جمهور فرانسه به سر زبان ها جاری شد، این رویداد به خاطر آن بود تا رویه های «غیر حرفه یی» "آقای هولاند" با شیوه های کاری بسیار «حرفه یی» "نیکولا سرکوزی" رئیس جمهور اسبق فرانسه به مقایسه گرفته شده باشد، گرچه این اصطلاح حالا کمتر استعمال میشود، اما کلمهٔ مورد بحث وارد قلمرو اصطلاحات سیاسی گردیده است، چه در عمل کرکتر ها و شخصیت های را میتوان سراغ نمود که این اصطلاح برآنان اطلاق شده میتواند، قبل از پرداختن به موضوع لازم است حدود و ثغور معانی و مفاهیم واژه های « حرفه یی» ونیز« آماتور» را معین کنیم تا باشد که توجه مخاطبان را به همان معانی معطوف نموده باشیم: حرفه یی (با پسوند یای نسبتی) به شخص و یا به شی نسبت داده میشود که حایز یک شغل، مسلک ویا حرفه باشد، صاحب رسمی و عملی آن مسلک بوده و یا صفات مشهود و بارز آن حرفه را حمل نماید، میتوان لغت مسلکی را نیز به جای آن به کار برد، اما حس میکنم مسلکی طوریکه باید حامل معنای کامل موضوع نخواهد بود، از سوی دیگر پسوند حرفه یی در پهلوی نام های استعمال گردیده که گاهی آدمی را به این نگرانی قرار میدهد که نکند حرفه یی خصلت شغل های نامناسب باشد، مانند دزد حرفه یی، قاچاقبر حرفه یی، آدمکش حرفه یی و...به هر صورت نگارنده در این جا در کوشش آن نیست تا تعلق لغت حرفه یی را به مشاغل مجرمانه منحصر بسازد. یک لغت دیگر نیز در زبان دری خود داریم: «کسبی» که از کسب با یای نسبتی ترکیب یافته و بعضاً به شوخی به صفات مشخص به کار گرفته میشود، پس برای ما همان واژهٔ «حرفه یی» باقی می ماند.

و اما اصطلاح «آماتور»: تا جای‌ی که من اطلاع دارم، ما افغان ها با لغت آماتور از زمانی آشنایی پیدا کردیم که گروه های مستقل و«غیر مسلکی» موزیک و موسیقی در کشور ما به وجود آمدند، گرچه استعمال این اسم به گروه های موسیقی، با اشتباهاتی همراه بوده است، مثلاً این اصطلاح حتی به گروه ها و اشخاص هم به کار برده میشدند که دارای دانش و تحصیلات منظم موسیقی نیز بوده اند، ولی نام آنها را «آماتور!!» گذاشته بودند، از جهت دیگر لغت آماتور به این جهت به آن گروه ها اطلاق میگردید که «اهل مسلک» یعنی از آواز خوانان و نوازندگان خراباتی ما شمرده نمیشدند، در حالیکه تعداد عمدهٔ از خراباتی های هنرمند ما موسیقی را به طور علمی می دانند ولی در میان آنها نیز محترمانی هستند که گاهی دانش موسیقی را از تعدادی که آماتور نامیده می شدند، کمتر می دانند. معنی اصلی آماتور amateur واژهٔ فرانسوی بیشتر به معنی غیر حرفه یی، هوا خواه، دوستدار، پسند کننده و شوقی را می دهد، به این ترتیب آماتور به شخص اطلاق خواهد شد که به اجرای کاری می پردازد که بطور اساسی و مسلکی آنرا نمی داند ولی شوق و دلچسپی که به آن شغل دارد، و یا به دلایل دیگری در آن حوزه دست می یازد، یعنی به طور شوقی و نه حرفه یی آن بیشه را برای امور روزمره پیشه میکند.

اما بازهم یک سوال به جایش باقی ماند که: چرا در این متن از اسمای «زعیم و قائد» به جای حکمروا استفاده نشده است؟؟ پاسخ این است که «زعیم» و «قائد» و حکمروا در زبان دری دارای مفاهیم تقریباً قریب می باشند، اما از نگاه من، حامل معانی صد فیصد منطبق باهم نخواهند بود؛ زعیم و قائد به شخصیتی اطلاق میشود که زعامت او برعلاوهٔ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نمایندگی و وکالت از ارادهٔ مردم اش، حایز یک عنصر ارزش نمادین و سنتی نیز باشد، مردم اش در او صداقت، تدبیر، صفایی، سمبول و مانده های معنوی، نیاکان را نیز بیابند، او واقعاً برای مردم و کشورش بی اندیشد و منافع شخصی خود را کاملاً به دور مانده باشد و این صفات را در عمل به اثبات برساند و حتی گاهی زعامت او با پرداخت جانبازی های استثنایی بدست آمده باشد، چنین است که حتی در اصطلاح «زعیم» عناصر معنوی و تقدیس را نیز گاهی جست و جو نموده اند، شاید به همین دلیل بوده که بعضی از احزاب مدعی عقاید پاک مذهبی ترجیح میداده اند تا به جای رئیس، فرمانروا و از این قبیل ها، اصطلاحات زعامت و قیادت را بیشتر به کار ببرند.
در حالیکه حکمروا ناگزیر به این امور نمی باشد گرچه در ظاهر امر برای رعایت شرایط قانونی چنین تعهداتی را نیز شاید به عمل بیاورد اما مقصد اصلی آن حکمروائی بر خلق الله است، به همین جهت من فکر میکنم کاربرد اسم حکمروا در این نوشته حق مطلب را بهتر ادا میکند.
حالا پرسشی مطرح میگردد که مگر آیا ما حکمروا و حکمران آماتور نیز داریم ویا اگر چنین است پس حکمروای حرفه یی چه کسی میتواند بود؟؟ نخست باید دید حکمروا چه امور و وظایفی را باید به انجام برساند یا جان اصلی

معنای حکمروا چیست: حکمروا در مفهوم امروزی آن یک مأمور خدمات عمومی به درجهٔ اعلی است که در رأس حرم قدرت قرار می داشته باشد و مؤظف است یک کشور را در ساحهٔ داخلی و خارجی اداره کند، از تمام دار و ندار آن مُلک محافظت کرده و در با ثمر کردن هرچه بیشتر آن کوشایی به خرج دهد، از مردم اش مواظبت کرده در تکامل و تسهیل تأمین معیشت آنان و بهبود و ارتقای سویهٔ زندگی ایشان خدمت نماید، حل بحرانات داخلی و خارجی مملکت را ذمه دار شود، ثبات داخلی و زیست باهمی مردم سرزمین اش را برعهده داشته باشد و هر آن در برابر وقایع و حوادث نا مناسب از کشور و مردم اش حمایه و دفاع کند و...، در یک کلام اگر قانون اساسی وجود داشته باشد تمام وظایف مندرج در قانون اساسی کشور که بر دوش او گذاشته شده است آنرا به اجرا بگذارد. گرچه در این فهرست ممکن کمی حرص و پُر توقعی حس گردد اما باید دانست که در دوران ما فهرست مسؤولیت ها و وظایف حکمروا از این هم طویل تر است که ممکن اگر همهٔ آن وظایف را در نظر بگیریم فهرست تهیه شدهٔ این حقیر خیلی کوتاه و حتی ناقص هم تلقی گردد. پس چنین شغلی مگر میتواند به صورت آماتوری و شوقی به اجرا گذارده شود؟؟ در دوران کنونی تأریخ بشری کسب حکمروائی از سخت ترین و پیچیده ترین کسب هاست، که تحولات متعدد نه چندان مثبت منجمله میتولوژیک، سیاسی و اقتصادی دنیا، اجرای این شغل را بیشتر از پیش دشوار ساخته است، امروز، دنیا در بیخبری و بی اطلاعی دیروز به سر نمی برد؛ انکشاف و تکامل علمی، فرهنگی و ذهنی جامعهٔ بشری، مجال پاسخگویی و حساب دهی حکمروایان را خیلی به طور جدی میسر ساخته است، ممالک موجود در سیارهٔ ما در یک جو دیموکراتیک قرار گرفته اند که کشوری ولو خیلی هم غیر دیموکراتیک و استبدادی باشد، حکمروای آن از چنگ حساب دهی و قضاوت و دنبال شدن کرده های خوب و بد خود خطایی ندارد. انگار میدیای جهانی به دیده بان حقایق سیاسی و اجتماعی و بشری کشور ها مبدل شده باشد، بدین مناسبت است که سهل انگاشتن این حرفه و صرف شوق کردن پادشاه و امیر و رئیس شدن برای این کسب کافی نیست و اگر کدام شخص شوقی، سر را در راه آن ندهد، حتماً ندامت تأریخی را بر دوش خواهد کشید. به یاد می آورم عمل و موقف «ژک دولور» کمیسار سابق اروپا که تقریباً بیش از ده سال قبل، همه فرانسوی ها تصور میکردند، موصوف خود را به حیث رئیس جمهور فرانسه کاندید خواهد کرد، تمام رسانه ها آرزو داشتند تا اعلام او را به صفت کاندیدای ریاست جمهوری فرانسه به حیث خبر به نشر بگذارند، اما او به هیچکسی چیزی نگفت، تنها یکی از روز ها در برابر تلویزیون ظاهر شده و به طور تعجب آوری از ارائهٔ کاندیداتوری خود امتناع ورزید و نخواست بار گران پُست ریاست جمهوری فرانسه را بر دوش بکشد و صادقانه اعتراف کرد که نمی خواهد مسؤولیت چنین وظیفهٔ دقیقاً خطیر را بر عهده بگیرد، اگر موصوف خود را کاندید میکرد، به احتمال قوی در دور اول انتخابات برنده می شد، اما او خود را نامزد این کسب پُر جنجال ننمود و او امروز از محبوبترین چهره های اجتماعی و مردمی فرانسه محسوب میشود، این تجربهٔ تأریخی به ما می آموزد که اجرای شغل حکمروائی بیرون از دائرهٔ شوق کردن است، آنانی که به مردم، کشور، آینده و تأریخ مسؤولانه می اندیشند، حتماً در بدست آوری قدرت حرص نکرده و ذوق زده گی گمراه ایشان نمی کند.
مثالی از شیوهٔ حرفه یی حکمروائی بیاورم، قبلاً از "نیکولا سرکوزی" رئیس جمهور اسبق فرانسه یاد کردم، موصوف در اجرای رعایت اصول حرفهٔ خود و اجرای صحیح امور مملکت، با اینکه خود دست راستی است، بدون مطرح بودن تشکیل «حکومت اتحاد ملی» فقط برای پیشبرد صحیح و مناسب کارهای دولت، از حزب مخالف چهره های معروف و کار کن را در ترکیب حکومت خود شامل ساخت "برنارد کوشنیر" وزیر صحت عامهٔ سابق سوسیالیست

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

ها را در پُست وزارت خارجه مقرر نمود، "ژک لانگ" وزیر سابق فرهنگ و کلتور سوسیالیت ها را دریک پُست مهم ثقافتی نصب کرد، «ژاک اتلی» اقتصاد دان بزرگ و مشاور خاص رئیس جمهور سابق سوسیالیست فرانسه «فرانسوه میتی‌ران» را به مشاورت و ترتیب پلان هایش فرا خواند. گرچه" س‌رکوزی" درانتخابات اخیر برنده نشد ولی امروز محبوبیت اش نسبت به رئیس جمهور فعلی فرانسه «فرانسوه هولاند» بیشتر است. نتیجه اینکه حر فهٔ حکمروایی مستلزم توجه به خیر و صلاح عمومی و رجوع به امکانات غیر جناحی وغیر حزبی و فراموشی ارتباطات گروهی نیز است.

در تحولات گرم اخیر مصر که مردم در فضای مملو از تب و تاب و هیجانات جهشی، در انتخابات شرکت کردند و با شتابزدگی به "محمد مرسی" از اعضای برجستهٔ حزب اخوان المسلمین رأی دادند و او را در پُست ریاست جمهوری کشور بزرگ مصر نشاندند، "محمد مرسی" با تمایلات گروه پرستانه به تقسیم وترکهٔ پُست های مهم دولتی به اعضای حزب اش آغاز کرد و حتی تخصصی ترین کرسی ها را به اخوانی ها سپرد، اخوانی ها در جامعهٔ مصر همچو شهزادگان دارای قدرت تبارز نمودند، مردم مصر به زودی متوجه گردیدند که در گرماگرم انقلاب، شخص را به حیث رئیس جمهور انتخاب کرده اند که رئیس جمهور آنان نیست بلکه رئیس جمهور اخوانی هاست و فریاد زدند که ما اشتباه کردیم، این محترم رئیس جمهور مصر نه بلکه رئیس جمهور اخوان المسلمین است، ما برای «تمام مردم مصر» رئیس جمهور دیگری انتخاب میکنیم، گرچه آقای مرسی چند روز قبل از سقوط اش ادعا کرد که رئیس جمهور «تمام مردم» مصر است، اما دیگر دیر شده بود و «کودتای دیموکراتیک!!» مصر در حال تکوین بود، از این فرصت جنرال عبدالفتاح السیسی استفاده کرده و بر اریکهٔ قدرت نشست و حالا مصر دوباره در تحت حاکمیت نظامی ها حکومت می شود، عوام زدگی نوع حکمروائی مرسی و همرزمان او زمینه را برای بازگشت یک دورهٔ دیگر نظامیان حکومتگر در مصر فراهم نمود، عدم فهم محمد مرسی به چگونگی طرز اداره، بی توجهی او به نیاز اقلیت های مذهبی سیاسی و گاهی تحمیل خواسته های تمامیت گرایانهٔ حزبی اش و تَرکه کردن پُست های عامه به اعضای حزب خود، هم برای خودش واز همه مهمتر برای کشور مصر خیلی گران تمام گردید. شاید یکی از عناصر بی ثباتی کشورهای که در باد و باران «بهار عرب» به سر می برند، همین فقدان حکمروایان حرفه یی بوده است، لیبیا و عراق را به خاطر بیاوریم که یا توسط سیاسیون تمام عمر خفته در دیار غربت اداره می شوند ویا توسط سیاست مدارانی که فقط در اطاق ها و سلول های حزب خود سیاست کرده اند و امروز در عدم درک عمیق وقایع قرار دارند و مردمان ایشان را به جان هم انداخته اند، و یا اشخاصی در اریکهٔ قدرت نشسته اند که عمری را در کوه ها به حیث چریک و جنگجو پشت سر گذاشته اند، چنین است که این حکمروایان قادر به دریافت و درک وضعیت کنونی نیستند و ارزش های سیاسی دوران فعلی که پذیرفتن همدیگر، پذیرفتن و رعایت مخالف خود، کثرت گرایی، بذل مساعی برای دریافت جهات مشترک و ایجاد همسویی و قبول اصول بشر دوستانهٔ مروج امروزی است، این ارزش ها را درست نمی شناسند ویا به آن اعتقادی ندارند، بیشتر آنان تا هنوز در چُرت رویای دست نیافتنی، نظام های تک مذهبی، تک تباری، تک جناحی حتی تک حزبی به سر میبرند، دولت های مغرض دیگر نیز برای به دست آوردن غنایم نامشروع، با تمسک به علایق ظاهراً قومی و مذهبی که به چنین شخصیت ها ویا گروه های قومی-مذهبی دارند در پرورش و گسترش چنین رویا ها در ذهن حکمروا ها و یا نامزد های ایشان محیلانه کمک میکنند، مداخلات مغرضانهٔ آخوند های ایران در جبهه گیری، به پشتیبانی از پیروان یک مذهب مشخص در نظام موجودهٔ دولت عراق چنین نمونهٔ را بازگو میکند.

حکمروای حرفه یی قبل از همه از نیاز های مردم و کشور آگاهی قاعده مند دارد ، و نیز اولویت ها و ارجحیت های این نیاز ها را به درستی تعیین و تشخیص کرده میتواند و باز ابزار های تأمین این نیاز ها را با درک علمی جست و جو کرده میتواند، او دانش های نظری و تجارب کافی عملی را در امور اداره داشته باشد، صاحب پلان و پروگرام برای پیشبرد امور باشد، او قادر است کادر ها، سازمان های اداره و تمام امکانات دولت را در فراهم کردن این نیاز ها به فعالیت در آورد، و همزمان با آن در ایجاد و خلق کردن امکانات جدید اندیشه وعمل نماید و در عین حال از تحول نیاز ها و اولویت ها به طور مستمر مطلع بوده و این تحولات را دنبال کند، در درک زمان زدگی و تأریخ زدگی امکانات ونیز نیاز ها سریع و حساس باشد، موازی به آن به نیاز های جدید مردم و کشور شناخت حاصل نماید، در تشخیص، ریسک ها یا خطراتی که متوجه هستی و نظم و نظام مملکت و مردم میگردد، حساس بوده و بدون دست پاچگی به صحیح ترین و مؤثرترین طرح ها برای رفع و دفع آن متوسل شود، در قضایای بغرنج ملی و مملکتی با دقت های مسؤولانه به ارزیابی بنشیند، از عرصه های که برایش نا آشنا ست، از نَدانستن خود خجول نگردد و به آگاهان و اهل خبرهٔ وطن که پا بند به ارزش های کشور باشند، رجوع کند، در اتخاذ تصامیم مهم دقیق بوده وبا

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

درستی، به اخذ تصمیم صحیح و سریع و به موقع بپردازد و تفاوت های اجرای تصامیم مختلف متعلق به مواضع و مواقع را به خاطر داشته باشد، در رعایت اصول و قوانین کشور سختگیر و سخت کوش باشد و انعطاف در رعایت قوانین را به جز در مواردی که اصولاً قابل رعایت است، نپذیرد، در کشور های نظیر افغانستان که حاکمیت قانون کاملاً پُشت گوش شده است لازم خواهد بود تا درجهٔ انعطاف در تطبیق قوانین در کمترین حد آن مد نظر باشد تا قوانین با رعایت جدی آن معتبر شوند. میتوان به این کار و وظایف بازهم موارد بیشتری را افزود، اما تصور میکنم در این کلی ترین وظایف، به نحوی تمام اقداماتی که حکمروا باید به سر برساند، گنجانیده شده است.
چنین فهمیده میشود که پس حکمروا تا حدی «تکنوکرات» باشد، اگر تکنوکرات به کادری بگویند که بر علوم جدیدهٔ مروج مسلط بوده و آنرا از منابع برونی یا به طرز برونی ها، فرا گرفته باشد، اما دانش وی برای انکشاف یک کشور عقب مانده لازم و مفید باشد، هیچ عیبی نخواهد داشت که چنین کادری به حیث حکمروا در نظر گرفته شود، اما معمولاً بر تکنوکرات عیب دیگری را انگشت می گذارند و آن عیب «نبود کافی حس ملی» در شخص موصوف نام گرفته است، تکنوکرات همانند یک ماشین به طور میکانیکی فقط تولید میکند، در پی آن نخواهد بود که ماحصل کار او را چه کسی می بردارد، این برچسپ میتواند خیلی نسبی باشد، ولی نمیتواند کاملاً با یک فیصدی زیادی هم غیر محتمل به نظر برسد، مگر ما کدام میزان سنج اندازهٔ «حس ملی» را در اختیار نداریم که با آن بفهمیم کدر مورد علاقهٔ ما تا چه حد خود را مکلف به رعایت منفعت های ملی و وطنی اش می داند، اما وجود و فقدان این ممیزه، از جهتی یک مفیدیت را نیز گویا خواهد بود؛ تکنوکرات بیشتر ایدهٔ غیر ایدیولوژیک داشته و غالباً پراگماتیست خواهد بود، چه برچسپ « بی تلخه» بودن تکنوکرات بیشتر از جانب کسانی بر وی وارد میشود که خود در قید و بند یک ایدیولوژی گرفتار اند و اگر نه طبعیتاً ماحصل کار تکنوکرات ها به حد زیادی با منفعت های کشوری و مملکتی همسویی می داشته باشد. این نکته نیز ناگفته نماند که نامزد های حکمروائی، چه از قماش حرفه یی و چه از گروه آماتور آن، علی الرغم ملی نمایی های پُر زرق و برق، می توانند با یک دلسوز به حال مردم و کشور، فاصلهٔ زیادی داشته باشند.
ادامهٔ موضوع از ما میخواهد، بدانیم که: نامزد حکمروا به چه انگیزه یا عامل، به انتصاب یا انتخاب در یک پُست خدمات عامه به درجهٔ اعلای آن دل بسته است، تشخیص این انگیزه تا حدودی برای ما واضح خواهد ساخت که نامزد مورد نظر تا چه اندازه، عنصر حس ملی و وطنی را در خود عجین دارد؟ میتوان انگیزه های آتی را در این زمینه رقم نمود:
- آرزوی شخصی برای سردمدار بودن یک کشور به حیث حکمروا به منظور اعمال نیات و آرمان های شخصی و یا گروه محدود.
- آرزو برای تحقق آرمان های سیاسی، علمی و اقتصادی در سطح فردی و اجتماعی.
- آرزو برای ایفای خدمت برای کشور و مردم به حیث یک عقیدهٔ سیاسی ویا یک ایدیولوژی معین.
ممکن است انگیزه های خُرد و کوچک دیگر نیز سبب این دلبستگی گردد اما عمده های آن همان چند تای است که برشمردیم.
حال در یک نظام دیموکراتیک، نامزدان دلبسته به مقصد رسیدن به کرسی حکمروائی سعی خواهند نمود، تمام مساعی در کمپاین های انتخاباتی در مسیری صورت بگیرد تا از تعمیل آرزو های بشارت بدهد، که مردم خواهان آن اند، از تحقق آن کار های که «رضایت» مردم را فراهم میسازد، بحث و صحبت شود، این وعده وعید ها همه برای جلب و رضایت مردم یا رأی دهندگان به عمل می آید، ولی آیا تأمین تمام آرزو های مردم که «رضایت» آنان را فراهم می کند با اهداف اساسی و نهادی قریب و بعید سرنوشت یک کشور و مردم اش انطباق خواهد داشت؟
چگونه فهرست این آرزو ها ترتیب خواهد گردید، بدون شک تهیهٔ لیست و درجه بندی آرزو های مردم مستلزم مهارت زیاد خواهد بود، تا تعداد زیادی از رأی دهندگان رویا های ایشان را در آن لیست بیابند، و راضی به دادن رأی به همان نامزد گردند «رضایت» مردم فقط با ایفای نیازمندی های شبانه روزی آنان بدست می آید، مردم امری را صحیح و عادلانه میدانند که مرفوع کنندهٔ همین ضروریات روزمرگی شان باشد، آنان به فکر آرمان های طویل المدت نیستند، "اریک فروم" روانشناس و جامعه شناس امریکایی میگوید:«...برای بیشتر آدم ها واقعیت از هم رأیی همگانی تشکیل می شود و نه براساس خرد یا بررسی انتقادی.» به همین استدلال است که بعضاً «رضایت» عمومی با آرمان های مثلاً وطن خواهانهٔ طویل المدت، همخوانی نمی داشته باشند، به طور مثال: بعضی از دولت های اروپایی که کسر بیلانس تادیات بودجوی دارند، براساس فیصلهٔ مقامات اروپایی مکلف اند، «ریاضت اقتصادی» را در پیش گیرند، یعنی به صورت دردناک و طاقت فرسا مصارف عمومی دولت را کاهش داده مالیات ها را بالا ببرند، و تامینات اجتماعی و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

سایر کمک های دولت را به اتباع کاهش دهند، تا وجوهی که از این طریق صرفه می شود، به وسیلهٔ آن کسر بودجوی و دیون ذمت دولت جبران شود، حتی دولت های مانند دولت فرانسه، کسراتی در عواید افراد و شرکت ها بنام « وجه برای جبران قروض اجتماعی» تصویب کرده اند، تا با این وجوه در تقلیل و کاهش دیون ذمت دولت و کاهش کسر بودجه سعی به عمل آورده باشند، آرمان طویل المدت این پروسه آن است تا نسل موجود، انباری از قروض و دیون را بر دوش نسل آینده انتقال نداده باشد، چنین است که بعضی از نامزد های عاقبت نه اندیش، حین کامپاین انتخاباتی هر آنچه که برای جلب رضایت رأی دهندگان در دل تنگ ایشان بوده، به زبان آورده و ایفای آنرا متعهد شدند، غافل از آنکه نه تنها قادر به بالا بردن سطح زندگی رأی دهندگان خویش نبوده بلکه ناگزیر به کاهش این سطح زندگی نیز خواهند شد.

وقتی امکانات موجود برای تحول وضعیت، محاسبه میگردد و تعهدات نامزد ها(تعهدات داخلی با متحدین انتخاباتی و تعهدات با رأی دهندگان حین کامپاین) ملاحظه میشود جداً پرسش های مطرح میگردد که این همه تعهدات از کجا و چگونه ایفا خواهد شد، در نظرداشت و محاسبهٔ توانایی های نامزد برای تحقق خواسته های رأی دهندگان و صداقت نامزد ها در برابر مردم، مهارت کاندید حرفه یی را با کوتاهی های کان‌دید آماتور به خوبی به ملاحظه و مقایسه گذاشته میتواند. یک کاندید با حرفه سعی بر آن می داشته باشد تا از تعهدات بزرگ غیر قابل اجرا طفره برود، در حالیکه که کاندید آماتور در برابر هر تقاضا- ولو تقاضای غیر ممکن- لبیک میگوید، کاندیدی که حرفه را بلد بوده و در حد یک «زعیم» می اندیشد، با صداقت تمام مردم اش را به حوصله مندی و شکیبایی فرا میخواند و بیش از آنکه با باغ های سرخ و سبز فردای رمانتیک، به مردم اش تخیل پراگنی کند، امکانات دست داشته و آن امکاناتی که به زودی و آسانی قابل دسترسی است، آنرا برای مردم اش معرفی میکند و رأی دهندگان را به کار و تلاش و زحمت کشی بیشتر و بهره برداری مشروع و اضافه تر، از فرصت ها و امکانات مساعد کنونی، تشویق مینماید، چنین کاندیدی به سوی زعیم شدن خواهد رفت، کاندید حرفه یی تکنوکرات، بیشتر به قابلیت های خودش اتکا میکند و زیادتر هم همین عنصر را حساب میدهد، این کاندید سهم مردم را صرف در حوزهٔ رأی دهی و تولید در نظر میگیرد، نامزد آماتور همینکه رأی مردم را گرفت دیگر مردم اش را فراموش خواهد کرد و تا انتخابات آینده حضور مردم را به خاطر نخواهد آورد.

ای کاندید مردم گرا که دوست دوران گرسنگی گرسنه ها بوده باشی، ای نامزد عالیقدر که صفای نیاکان صادق ما در سادگی و صراحت گفته هایت بدرخشند، ای نامزد راستین که حضور تو حضور میلیون ها انسان نادار، لت خورده فقیر و فراموش شدهٔ وطنم باشد، ای کاندید زعیم معصوم که برای فرصت یابی به خدمت مردم ات نیازی به دست برد صندوق های آرای پاک مردم ات نداشته باشی، ای نامزد برخواسته از اصالت انسان مظلوم و آگاه سرزمینم که جز حفاظت وطن و باشندگان اش و حمل صحیح، سلامت و متکامل آن به نسل آیندهٔ کشورم، حرص و آز دیگر نداری کجایی ... کجایی...

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ